

رُبِنِ لَوِي^۱

علی مصریان (عضو هیئت علمی فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

نخستین بندِ آگهیِ درگذشتِ رُبِنِ لَوِي، دانشمندِ خاورشناس، در صفحه ۱۴ روزنامهٔ تایمز^۲ مورخ ۸ سپتامبر سال ۱۹۶۶ چنین بود:

دکتر رُبِنِ لَوِي، استاد ممتاز زبان فارسی دانشگاهِ کیمبریج^۳ و از اعضای کریستس کالج^۴، اخیراً در سن هفتاد و پنج سالگی درگذشت.

لَوِي در ۲۸ آوریل سال ۱۸۹۱ در منچستر^۵ متولد شد. تحصیلاتِ مقدماتی را در «مدرسهٔ فرایارها» در بانگور^۷ (شمال غربی وِیلز) و تحصیلاتِ دانشگاهی را در دانشگاه و کالجِ تُرت وِیلز^۸ و جیزس کالج^۹ آکسفورد^{۱۰} به پایان رساند. در همین مقطع بود که توشه‌ای غنی از زبان‌های سامی و فارسی و ترکی اندوخت.

جنگ بین‌المللی زمینه را برای مطالعاتِ خاورشناسی او فراهم آورد. طی سال‌های ۱۹۱۶-۱۹۱۸، با درجهٔ سروانی، در ستاد فرماندهی ادارهٔ اطلاعات در بین‌التهرین

1) Reuben Levy (/levi/, /livi/)

2) *The Times*

3) Cambridge University

4) Christ's College

5) Manchester

6) Friars School (1557)

7) Bangor (North West Wales, UK)

8) University College of North Wales

9) Jesus College

10) Oxford University

خدمت کرد و در سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۲۰ در بنگاه خدمات سیاسی عراق^{۱۱} اشتغال داشت. در همین اوان بود که از نزدیک با زبان و فرهنگ ایران و خاورمیانه آشنایی یافت. او که تا آن زمان زبان را تنها از راه خواندن کتاب و مطالعه متون در کلاس درس دانشگاه آموخته بود، اینک در بین‌النهرین و ایران با همزیستی در کنار اعراب و ترکان یا ترک‌زبانان و فارسی‌زبانان ایرانی اصطلاحات متنوع، بدیع و جالب زبان روزمره آنان را به خاطر می‌سپرد و همین دستمایه زبانی زمینه‌ساز مطالعات و تحقیقات بعدی او شد. لوی، ابتدا در سال ۱۹۲۰، به تدریس زبان فارسی در دانشگاه آکسفورد گمارده شد. در سال ۱۹۲۳، جزوه‌ای با عنوان ادبیات فارسی^{۱۲} نوشت که، به گزارش روزنامه تایمز، در آن تاریخ یکی از بهترین مقدمات آشنایی با آن ادبیات شمرده می‌شد^{۱۳}. لوی، در سال ۱۹۲۳ به آمریکا رفت و، طی اقامتی سه ساله در نیویورک، ادبیات توراتی^{۱۴} را در «پژوهشگاه یهودی دین»^{۱۵} تدریس کرد. پس از بازگشت از آمریکا، در سال ۱۹۲۶، به عنوان مربی زبان فارسی به دانشگاه کیمبریج دعوت شد. این دعوت به دنبال درگذشت ادوارد براون^{۱۶} (۱۸۶۲-۱۹۲۶)، صورت گرفت که استاد کرسی زبان و ادبیات عربی متعلق به سِر توماس آدامز^{۱۷} دانشگاه کیمبریج بود. در آن سال، نیکلسن^{۱۸} (۱۸۶۸-۱۹۴۵) که از سال ۱۹۰۲ مربی زبان فارسی در کیمبریج بود جانشین ادوارد براون شد و لوی نیز، به جای نیکلسن، مربی زبان فارسی دانشگاه کیمبریج گردید^{۱۹}. لوی، در سال ۱۹۲۷، به عضویت شورای انجمن سلطنتی آسیایی^{۲۰} درآمد. وی از سال

11) Iraq Political Service

12) *Persian Literature*

۱۳) این جزوه، از روی چاپ سال ۱۹۵۵ انتشارات دانشگاه آکسفورد در سال ۱۳۷۷ ش به قلم رؤیا هاشمیان به فارسی ترجمه شد که به نفقه مؤسسه نشر فهرستگان با عنوان درآمدی بر تاریخ ادبیات فارسی در تهران به چاپ رسید و منتشر شد.

14) *Biblical Literature*15) *Jewish Institute of Religion (1922)*

16) Edward Granville Browne

17) Sir Thomas Adams's Chair (Professor of Arabic)

18) Reynold Alleyne Nicholson

۱۹) ادوارد براون، از سال ۱۹۰۲ تا پایان عمر، عهده‌دار کرسی زبان و ادبیات عربی سِر توماس آدامز بود. پس از او، نیکلسن تا سال ۱۹۳۳ این سمت را بر عهده داشت.

20) *The Royal Asiatic Society*

۱۹۳۹ به مدت یک سال در چتم هاوس^{۲۱} (مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل)^{۲۲} و، طی سال‌های ۱۹۴۱-۱۹۴۵، دوران جنگ جهانی، در اداره اطلاعات نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا^{۲۳} با درجه سرگردی خدمت کرد که سختی طاقت‌فرسای آن به سلامت‌ش آسیب رساند.

در سال ۱۹۵۰، لوی به مقام استادی رسید و کرسی معروف زبان فارسی دانشگاه کیمبریج به او تعلق یافت و، عنوان نخستین و یگانه استاد زبان فارسی دانشگاه کیمبریج از آن او شد. این انتساب شور تازه‌ای در دل همکاران او در کیمبریج برانگیخت. این چهره علمی فروتن و محجوب، از بدو ورودش به کیمبریج در سال ۱۹۲۶ با رفتار در واقع صمیمانه و محبت‌آمیز خود نسبت به همکاران و خوش‌خلقی و متانت و آداب‌دانی خویش همه را مجذوب خود ساخته بود. آبروی^{۲۴} (۱۹۰۵-۱۹۶۹ م)، در یادداشتی به سال ۱۹۶۷ به مناسبت درگذشت لوی می‌نویسد: «بخت یارم بود که ابتدا در زمره نخستین شاگردان او و از آن پس دوست دیرینه او بودم».

مرگ لوی بسیار دردآور بود. بازنشستگی او با غم ازدست دادن همسرش در سال ۱۹۶۲ مقارن شد و از ازدواج دوم او در سال ۱۹۶۴، که از نو به زندگی قرین آسایش و آرامش امیدوارش می‌ساخت، دو سالی نگذشته بود که در ششم سپتامبر سال ۱۹۶۶ در هفتاد و پنج سالگی چشم از جهان فرو بست^{۲۵}.

لوی، در زندگی علمی خود، به تدوین و ترجمه متون فارسی و عربی کلاسیک همت گماشت و آثار متعددی در حوزه مطالعات اسلامی منتشر کرد. ارزنده‌ترین آثارش پیش از سال‌های جنگ نوشته شد. در سال ۱۹۲۹، کتاب سراسر مستند او، وقایع‌نامه بغداد^{۲۶}، منتشر شد. این اثر کم‌نظیر و پرترفدار شرحی است خواندنی در احوال مسلمانان قرون وسطی و خلیفه عباسی، که، پس از مطالعه‌ای عمیق و عالمانه، با تلفیقی از آثار سنگین و دشوارفهم طبری و ابن اثیر و دیگر منابع همسنگ آنها در زبان‌های عربی و فارسی

21) Chatham House

22) The Royal Institute of International Affairs (RIIA)

23) The Royal Air Force (RAF)

24) Arthur John Arberry

25) ژین لوی در سال ۱۹۲۱ با فلورا هرز (Flora Herz) ازدواج کرد. پس از فوت او در سال ۱۹۶۲، با مارگارت رابرتسون (Margaret Robertson, née Sanderson) در سال ۱۹۶۴ پیمان زناشویی بست.

26) *A Baghdad Chronicle*

ساخته و پرداخته شده است. وقایع‌نامه بغداد زمینه‌ساز نگارش اثر بزرگ و تازه و بدیع دیگری از او به نام جامعه‌شناسی اسلام^{۲۷} گردید که طی سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۳۳ منتشر شد. ویرایش جدید این اثر، در سال ۱۹۵۷، با عنوان ساختار اجتماعی اسلام^{۲۸} به چاپ رسید. مؤلف، در نگارش این اثر، ضمن رویکردی نو به تاریخ مسلمانان، احتمالاً از احساسی که حین مطالعه نسبت به عوامل انسانی تاریخ یافته بود نیز الهام گرفته است. این کتاب، در عین حال، مرجعی است با جامعیت دایرةالمعارفی حاوی اصطلاحات و شرح مناسبات و ماهیت معارف اسلامی.

سال ۱۹۳۸ شاهد انتشار نخستین بخش از تصحیح انتقادی متن عربی مُفَصَّلِ معالم‌القره بود. لوی، همچنین در سال ۱۹۵۱، ترجمه‌ای بسیار موفق از قابوسنامه، اثری متعلق به قرن پنجم هجری با عنوان مناسب و بجای مرآة الملوک^{۲۹} به دست داد، با آنکه نقد آن در مجله فکاهی انگلیسی پانچ^{۳۰} اثر چندان مطلوبی بر اعتبار و وجهت علمی او نگذارد. لوی، به دنبال نخستین ترجمه موفقیت‌آمیزش از قابوسنامه، در سال ۱۹۵۹ دست به ترجمه حکایات مرزبان‌نامه زد. این ترجمه را می‌توان شاهکاری در برگردان متنی به سبک بسیار دشوار شناخت. لوی در سال‌های آخر عمر نیز ترجمه گزیده‌ای از شاهنامه^{۳۱} را در دست داشت که در سال ۱۹۶۶ به چاپ سپرده شد. دیویس ضمن نقد تراژدی سهراب و رستم^{۳۲} ترجمه جروم کلینتون^{۳۳} (۱۹۸۷) در خصوص ترجمه لوی از شاهنامه نیز می‌نویسد:

ترجمه روین لوی به نثر اولین بار در سال ۱۹۶۷ منتشر شد و امروزه به عنوان ترجمه استاندارد شاهنامه (اما فشرده) به انگلیسی به شمار می‌آید. اگرچه نسخه اصلی استفاده شده برای آن پیش از چاپ بازنگریسته مسکو است، آشکارا به متن‌های مدرن نزدیک‌تر است تا متنی‌هایی که

27) *Sociology of Islam*28) *Social Structure of Islam*29) *A Mirror for Princes: The Qâbûs Nâma*, by Kai kâ'ûs ibn Iskandar, Prince of Gurgân, Cresset Press, London 1951.30) *Punch*31) *The Epic of the Kings: Shâh-nâma, The National Epic of Persia* (translated by Reuben Levy), Chicago University Press, 1967.32) *The Tragedy of Sohrab and Rostam*

33) Jerome W. Clinton

در قرن نوزدهم برای ترجمه [از آنها] استفاده می‌شد. اما دریغا که ترجمه انگلیسی آن بی‌حال و بیجان است. اگرچه کوششی که برای برگرداندن قسمت‌های مهم شاهنامه به انگلیسی به کار رفته ستودنی است، ولی به نظر من از نظر تعادل به شاهنامه زیان رسانده است، زیرا به نظر می‌رسد که لوی استعداد خاصی در ندیده گرفتن جالب‌ترین اشعار شاهنامه داشته است و خواندن آن بخش‌هایی که او به نثر ترجمه کرده، اگر آدم به این کار کمر همت نبسته باشد، کاری است دشوار. داستان سهراب و سیاوش و اسفندیار را به صورتی ملال‌آور درآوردن کار کوچکی نیست، اما لوی کسی نیست که این کار از او برنیاید. (ایران‌نامه، سال ۹، ش ۱، ص ۱۲۹)

از لوی کتاب‌های دیگری نیز در دست است؛ از آن جمله‌اند: ادبیات فارسی^{۳۴} (۱۹۲۳)؛ معابد اورشلیم^{۳۵} (نیویورک، ۱۹۲۴)؛ مقبره‌ها و پیکره‌های نقش رستم^{۳۶} (نیویورک، ۱۹۲۴)؛ حکایاتی از بوستان و گلستان سعدی^{۳۷} (۱۹۲۸)؛ سه درویش و چند حکایت و افسانه دیگر فارسی^{۳۸} (آکسفورد، ۱۹۲۸)؛ فهرست نسخ خطی عربی در کتابخانه ایندیا آفیس^{۳۹} (آکسفورد، ۱۹۳۷، ۱۹۴۰ م)؛ فارسی رشته آکادمی^{۴۰} (کیمبریج، ۱۹۵۱)؛ زبان فارسی^{۴۱} (۱۹۵۱)؛ درآمدی بر ادب فارسی^{۴۲} (۱۹۶۹).
از مقالات او ست در مجله انجمن سلطنتی آسیائی^{۴۳}.

«مدرسه نظامیه بغداد»^{۴۴} (۱۹۲۸، ص ۲۶۵-۲۷۰)؛ «افسانه منشور یوسف و زلیخا، منسوب به خواجه عبدالله

34) *Persian Literature*, Oxford University Press.

35) *The Temples at Jerusalem*

36) *Tombs and Sculptures of Nakshi Rustam*

37) *Stories from Sa'di's Bustan and Gulistan*

38) *The Three Dervishes and Other Persian Tales and Legends*, Oxford University Press.

39) *Catalogue of the Arabic Manuscripts in the Library of the India Office*, Oxford University Press.

40) *Persian as an Academic Discipline*, Cambridge University Press.

41) *The Persian Language*, 1951 (Routledge, 2011)

42) *An Introduction to Persian Literature*, Columbia University Press, UNESCO.

43) *Journal of the Royal Asiatic Society* (JRAS)

44) "The Nizamiya Madrasa at Baghdad"

انصاری، پیر هرات»^{۴۵} (۱۹۲۹، ص ۱۰۳-۱۰۶)؛ «شرحی بر آراء و افکار اسماعیلیه در جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله»^{۴۶} (۱۹۳۰، ص ۵۰۹-۵۳۶)؛ «ملاحظاتی در باب جامه برپایه منابع عربی»^{۴۷} (۱۹۳۵، ص ۳۱۹-۳۳۸)؛ «مکاتبات رشیدالدین فضل‌الله»^{۴۸} (۱۹۴۶، ص ۷۴-۷۸).

لوی مقالات دیگری نیز دارد، از جمله

«ملاحظاتی درباره اعراب ساکن کرانه‌های هور در جنوب عراق»^{۴۹} (۱۹۲۴)؛ «بازپسین سخن یک اومانیست»^{۵۰} (۱۹۲۸)؛ «ایران از منظر مَثَل‌ها و حکایات اخلاقی»^{۵۱} (۱۹۵۲)؛ «ابن سینا: زندگی و روزگار»^{۵۲} (۱۹۵۷).

عناوین کتاب‌هایی که لوی آنها را در شماره‌های متعدد مجله انجمن سلطنتی آسیای نقد و بررسی کرده به ترتیب تاریخ انتشار مجله در زیر فهرست شده است:
«فهرست کتب چاپی فارسی در موزه بریتانیا»^{۵۳} (۱۹۲۳، ص ۱۲۱-۱۲۲)؛ دیوان ابودؤیب^{۵۴} (۱۹۲۹، ص ۳۹۱-۳۹۲)؛ خواب شگفت^{۵۵} (۱۹۲۹، ص ۳۹۳-۳۹۴)؛ از یمن^{۵۶} (۱۹۲۹، ص ۳۹۴-۳۹۵)؛ اسلام:

45) "A Prose Version of the Yūsuf and Zulaikhâ Legend, ascribed to Pīr-i Ansār of Harât"

46) "The Account of the Isma'ili Doctrines in the Jâmi' al-Tawârikh of Rashid al-Din Fazlallâh"

47) "Notes on Costume from Arabic Sources"

48) "The Letters of Rashid al-Din Fazlallâh"

49) "A Note on the Marsh Arabs of Lower Iraq", *Journal of the American Oriental Society*, v. 44, 1924, pp. 130-131.

50) "The Last Words of a Humanist", *The Jewish Quaterly Review*, v. 18, n. 4, 1928, pp. 441-443.

51) "Persia Viewed Through Its Proverbs and Apologues", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, University of London, 1952, pp. 540-549.

52) "Avicenna: His Life and Times", *Medical History: The Official Journal of the British Society for the History of Medicine*, Vol. 1 (1957), pp. 249-261.

53) *Catalogue of the Persian Printed Books in the British Museum*, by E. Edwards, 1922.

54) *Der Diwan des Abu Du'a'ib*, by J. Hell

55) *Khâbe Shegeft*, by A. M. F. Isphahani

خواب شگفت یا رساله مرحوم آخوند ملا فتحعلی اصفهانی در سال ۱۳۰۵ ش (۱۹۲۶ م) در چاپخانه ایران‌شهر در برلین به چاپ رسید.

56) *Aus Dem Jemen*, by E. Mittwoch

درسنامه‌ای دربارهٔ باورهای مسلمانان و نهادهای اسلامی^{۵۷} (۱۹۳۰، ص ۱۴۷-۱۴۸)؛ تذکری بر مطالب صفحه ۹ ۵۰ مجلهٔ انجمن سلطنتی آسیایی، شمارهٔ ژوئیهٔ ۱۹۳۰^{۵۸} (۱۹۳۱، ص ۱۵۱)؛ اسلام هندی، تاریخ مذهبی اسلام در هند^{۵۹} (۱۹۳۱، ص ۴۳۸-۴۴۰)؛ کتاب درسی دربارهٔ قرائات قرآن^{۶۰} (۱۹۳۲، ص ۲۰۶-۲۰۷)؛ قرآن (خوانشی به اعلا درجه)^{۶۱} (۱۹۳۲، ص ۲۰۸)؛ گوی و چوگان یا حالنامه، ترجمهٔ مثنوی گوی و چوگان یا حالنامه از عارفی هروی^{۶۲} (۱۹۳۳، ص ۴۳۷)؛ مثنوی جلال‌الدین رومی^{۶۳} (۱۹۳۴، ص ۵۶۹-۵۷۱)؛ آیین مسلمانان: ظهور و پرورش تاریخی آن^{۶۴} (۱۹۳۴، ص ۶۳۳-۶۳۴)؛ جزیرهٔ العرب جنوبی به حیث منطقهٔ اقتصادی^{۶۵} (۱۹۳۴، ص ۱۵۲-۱۵۳)؛ مطالبی برای درک متون مذهبی اسلامی^{۶۶} (۱۹۳۵، ص ۱۸۹)؛ تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت، جلد اول: از یورش چنگیز تا برآمدن تیموریان^{۶۷} (۱۹۳۵، ص ۴۰۸-۴۰۹)

57) *L'Islam, Manuale delle Credenze ed Istituzioni Musulmane*, by Di Henri Lammens

58) *Note to Page 509 of the July, 1930, Number of the "Journal" of the R. A. S.*

59) *Indian Islam: A Religious History of Islam in India*, by T. Titus Murray

60) *Das Lehrbuch der Sieben Koranlesungen*

61) *Le Coran (Lecture par Excellence)*

62) *The Ball and the Polo Stick or Book of Ecstasy, A Translation of the Persian Poem Gūy u Chaugān or Hālnāma by Ārefi*, by R. S. Greenshields

مولانا محمود عارفی هروی (۷۹۱/۲ هرات - ۸۵۳ هرات) معروف به «سلمان ثانی» از شاعران نامی قرن نهم در عهد شاهرخ بن تیمور است. منظومهٔ گوی و چوگان یا حالنامه در بیان عاشقی و جانبازی درویشی است نسبت به شاهزاده‌ای که شاعر آن را با خیالپردازی‌های دقیق و زبانی استوار و متین و صحنه‌آرائی‌های مبتکرانه در بحر هزج مسدّس به نظم کشیده است. وی این منظومه را در سال ۸۴۲ به اسم سلطان محمد بن میرزا بایسنقر به پایان رساند. این اثر، علاوه بر چاپ‌های متعدّد، یک نوبت نیز به سال ۱۹۳۱ در لندن به طبع رسید. (← صفا، ص ۱۹۲ و ۴۵۷-۴۵۸؛ نفیسی، ص ۳۰۲-۳۰۳)

63) *The Mathnawi of Jalālu'ddin Rūmi*, by R. A. Nicholson.

64) *The Muslim Creed: Its Genesis and Historical Development*, by A. J. Wensinck

65) *Sūdarabien als Wirtschaftsgebiet*, by Adolf Grohmann

66) *Beiträge zum Verständnis Religiöser Muslimischer Texte*, by A. Fischer

67) *Tārīkh-i Mufasssal-i Irān az Istīlā-i Mughul tā I'lāni Mashrūtiyat: A Detailed History of Iran from the Mongol Conquest to the Proclamation of the Constitution (In four volumes), Vol. I: From the Invasion of Chingiz to the Rise of the Timurid Empire*, by Abbas Iqbal, Tihran 1934.

[طهران، چاپ مجلس، ۱۳۱۲ ش]؛ تُغَلُّقُ نامه ۶۸ (۱۹۳۵، ص ۴۰۹)؛ خاندان نوبختی ۶۹ (۱۹۳۵، ص ۷۳۹-۷۴۰)؛ مجادله‌ای در باب نسب خلفای فاطمی ۷۰ (۱۹۳۵، ص ۷۴۰-۷۴۱)؛ ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری ۷۱ (۱۹۳۶، ص ۵۲۳-۵۲۴)؛ تاریخ ادبیات عرب ۷۲ (۱۹۳۸، ص ۱۱۶-۱۱۷)؛ حدود العالم: جغرافیائی به زبان فارسی ۷۳ (۹۸۲/۳۷۲) (۱۹۳۸، ص ۲۹۶-۲۹۷)؛ دستور عربی به روش استقرایی ۷۴ (۱۹۳۸، ص ۶۱۶-۶۱۷)؛ تاریخ جهانگشای علاءالدین عظاملک جوینی، جلد ۷۵۳ (۱۹۳۹، ص ۴۴۱-۴۴۲)؛ ظهور و توسعه مطبوعات در مصر ۷۶ (۱۹۴۰، ص ۳۶۵-۳۶۶)؛ اقبال:

68) *Tughluq-nâma* (by Amîr Khusraw of Dihlî), edited by S. Hashimi Faridabadi, 1933.

تغلق‌نامه، سروده امیرخسرو دهلوی (۶۵۱ هـ - ۷۲۵ هـ) در احوال غیاث‌الدین تغلق‌شاه (۷۲۵-۷۲۰)، سردردمان پادشاهان تغلقیه دهلوی است (صفا، ص ۷۸۲-۷۸۳). امیر ناصرالدین ابوالحسن خسرو بن امیر سیف‌الدین محمود دهلوی از عارفان و شاعران مشهور پارسی‌گوی هند در نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است. او، در غزل، از سعدی؛ در مثنوی، از نظامی؛ در موعظ و حکم، از سنائی و خاقانی؛ و در قصائد، از رضی‌الدین نیشابوری و کمال‌الدین اسمعیل خلّاق‌المعانی تبعیت می‌کرده است (صفا، ص ۷۷۱-۷۷۲، ۷۷۶، ۷۷۸، ۷۸۶). خسرو دهلوی بزرگ‌ترین شاعر پارسی‌گوی هند شناخته شده و «سعدی هندوستان» لقب گرفته است (صفا، ص ۱۷۰). مثنوی تغلق‌نامه در سال ۱۳۵۲ ق / ۱۳۱۱ ش (۱۹۳۳) جزو سلسله مخطوطات فارسیه (۱) در حیدرآباد دکن (مطبع اردو، اورنگ‌آباد دکن) به چاپ رسید.

69) *Khânadân-i Nawbakhti*, by Abbas Iqbal, Tihran 1933.

خاندان نوبختی تألیف عباس اقبال (آشتیانی) یک نوبت، در سال ۱۳۱۱ ش، در طهران و مطبعه مجلس به طبع رسید و نوبت دیگر، در سال ۱۳۴۵ ش، به نفقه انتشارات طهوری چاپ و منتشر شد.

70) *Polemics on the Origin of the Fatimi Caliphs*, by Prince P. H. Mamour, London 1934.

71) *Persian Literature, A Bio-Bibliographical Survey*, by C. A. Storey.

یو. ا. برگل این کتاب را در سال ۱۹۷۲ در مسکو، در سه جلد و ۱۸۸۴ صفحه به روسی ترجمه کرد. در سال ۱۳۶۲ ش، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی در تهران برگردان فارسی این اثر از زبان روسی را به قلم یحیی آریز پور، سیروس ایزدی و کریم کشاورز با تحریر و تنظیم احمد منزوی چاپ و منتشر کرد.

72) *Geschichte der Arabischen litteratur*, by C. Brockelmann.

73) *Hudūd al-Ālam, "The Regions of the World": A Persian Geography: A.H. 372 / A.D. 982*, Translated and explained by V. Minorsky with the preface by V. V. Barthold (1930), translated from the Russian, 1937.

74) *Arabic Grammar: Inductive Method*, by E. E. Elder, Cairo, 1937.

75) *Târîkh-i Jahân-gushâ of Alâ'u-Din Atâ Malik-i Juwayni*. Part III, by Mirzâ Muhammad ibn Abdul-Wahhâb-i Qazwîni.

76) *Entstehung und Entwicklung der Tagespresse in Ägypten*, by Kamal Eldin Galal, 1939.

هنر و اندیشه او^{۷۷} (۱۹۴۶، ص ۲۰۹)؛ حیات محمد ترجمه سیرت رسول‌الله نوشته ابن اسحاق با مقدمه و حواشی^{۷۸} (۱۹۵۷، ص ۱۱۶-۱۱۷)؛ اسلام و همگونی جامعه^{۷۹} (۱۹۶۲، ص ۸۶-۸۷)».

منابع

- برگل، یو. ا.، ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، ترجمه یحیی آریز پور (و دیگران)، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۲.
- دیویس، دیک، «درباره ترجمه تراژدی سهراب و رستم»، ایران‌نامه، سال نهم، شماره ۱، تهران ۱۳۶۹.
- صفا (۱)، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، چ ۳، انتشارات فردوسی، تهران ۱۳۶۴.
- (۲)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، چ ۲، انتشارات دانشگاه تهران، تهران ۱۳۵۵.
- مصریان، علی، «لوی، روبن»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، جلد ذیل، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۹۷.
- نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، کتابفروشی فروغی، تهران ۱۳۴۴.
- Arberry, A. J. (1967), "Dr. Reuben Levy", *Journal of the Royal Asiatic Society (JRAS)*, vol. 99, Issue 1.
- Cohn-Sherbok (2005), "Levy, Reuben (1891-1966)", *Dictionary of Jewish Biography*, London & New York.
- The Times* (1966), "Dr. Reuben Levy: Oriental Scholar", 8 September.
- Who Was Who* (2014), "Levy, Reuben", Oxford University Press.

□

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

77) *Iqbal: His Art and Thought*, Syed Abdul Vâhid

78) *The Life of Muhammad, A Translation of Ishâq's "(sic) Sīrat Rasūl Allâh"*, with an Introduction and Notes, by A. Guillaume, 1955.

79) *Islam and the Integration of Society*, by W. Montgomery Watt, London, 1961.